

بپرسید: چرا؟

گفت‌وگو با دکتر عباس صدری، رئیس دفتر منطقه‌ای آیسسکو در تهران

شهلا فهیمی



عکاس: رضا بهرامی

دکتر عباس صدری، دکترای برنامه‌ریزی آموزش از راه دور است و از سال ۱۳۸۳ ریاست دفتر منطقه‌ای آیسسکو در تهران (وابسته به سازمان همکاری اسلامی) را برعهده دارد. وی همچنین عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی است و در تدوین برنامه‌های راهبردی در عرصه تعلیم و تربیت نقش مؤثری داشته است. دکتر صدری تألیفات بسیاری دارد و مقالات ایشان در نشریات علمی ملی و بین‌المللی به چاپ رسیده‌اند. با ایشان درباره موضوع این شماره از مجله رشد مدرسه فردا به گفت‌وگو نشستیم که خلاصه آن را می‌خوانید.

□ بله. اما نکته مهم این است که ما تا به حال به آن مرحله‌ای نرسیده‌ایم که دانش‌آموزان به دلیل برقراری روابط علت و معلولی سؤال کنند. از طرف دیگر، اگر چنین پدیده‌ای سؤالی در ذهن آن‌ها ایجاد کند، بنا به دلایل گوناگون زیر بار سؤال کردن نمی‌روند. شاید به این دلیل باشد که خجالت می‌کشند سؤال کنند، چون فکر می‌کنند سؤال آن‌ها مربوط یا مرتبط نیست و نباید آن سؤال را مطرح کنند. این مسئله‌ای جدی است که در میان دانش‌آموزان ما به‌وفور وجود دارد. در نظام پیشرفته آموزشی زمینه به‌گونه‌ای فراهم می‌شود که دانش‌آموزان از سؤال کردن نترسند. این عبارت را از من داشته باشید: «دانش‌آموزان ما نباید بترسند که بپرسند چرا». حتی بچه‌هایی که سؤال هم می‌کنند، کمتر می‌پرسند چرا. بستر پژوهندگی این است که مدرسه زمینه‌ای ایجاد کند که بچه‌ها نترسند بپرسند چرا. من سال‌های طولانی در بخش‌های گوناگون کار کرده‌ام. یکی از نتایجی که به آن رسیده‌ام، این بوده که مدرسه باید قابلیت ایجاد پرسش را در ذهن دانش‌آموزان فراهم آورد. در مرحله بعد، زمینه‌ای برای فهم رابطه علت و معلولی فراهم کند. حال اگر چنین رابطه‌ای به آینده معطوف باشد، زمینه ایجاد مدرسه آینده‌پژوه را فراهم خواهد کرد. در مرحله بعد، ما باید دانش‌آموزان را به قابلیت برسانیم که بتوانند در مواجهه با پدیده‌های گوناگون، حتی روزمره، در ذهنشان مسئله ایجاد کنند و منتظر ایجاد مسئله از سوی مدرسه نباشند. یعنی علاوه بر اینکه مدرسه باید در ذهن او ایجاد سؤال کند، باید زمینه‌ای ایجاد کنیم که بچه‌ها بتوانند خودشان برای خودشان ایجاد سؤال کنند.

■ تعریف شما از مدرسه آینده‌پژوه چیست؟ آیا مدرسه آینده‌پژوه همان مدرسه پژوهنده است؟

□ برای مدرسه‌ها نام‌های متعددی گذاشته شده‌اند؛ مثل مدرسه خلاق، مدرسه نوآور یا مدرسه پژوهنده؛ که تعبیرهایی نزدیک به هم دارند. اساس کار این مدرسه‌ها بر خلاقیت و نوآوری مبتنی است. یکی از ابعاد پژوهندگی، خلاقیت و نوآوری را داراست و به همین دلیل فضای حاکم بر مدرسه به‌گونه‌ای است که همواره به دنبال خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی است. در این مدرسه‌ها، دانش‌آموزان با استفاده از تجربه‌های قبلی، بعضی از عوامل را باهم تجزیه، ترکیب و تحلیل می‌کنند که حاصل آن نوآوری است و به‌طور عمده در چنین فضایی بستری مهیا می‌شود که دانش‌آموزان بتوانند رابطه علت و معلولی را دنبال کنند. بدین صورت، این‌گونه دانش‌آموزان، هر پدیده و موردی را به‌راحتی نمی‌پذیرند، مگر اینکه رابطه بین اجزای آن برای آنان مشخص شود و لذا بسیاری از پدیده‌ها و موارد برای دانش‌آموزان مسئله و معما می‌شود. ما مدرسه پژوهنده را دارای ظرفیتی در ایجاد مسئله در ذهن دانش‌آموزان می‌دانیم.

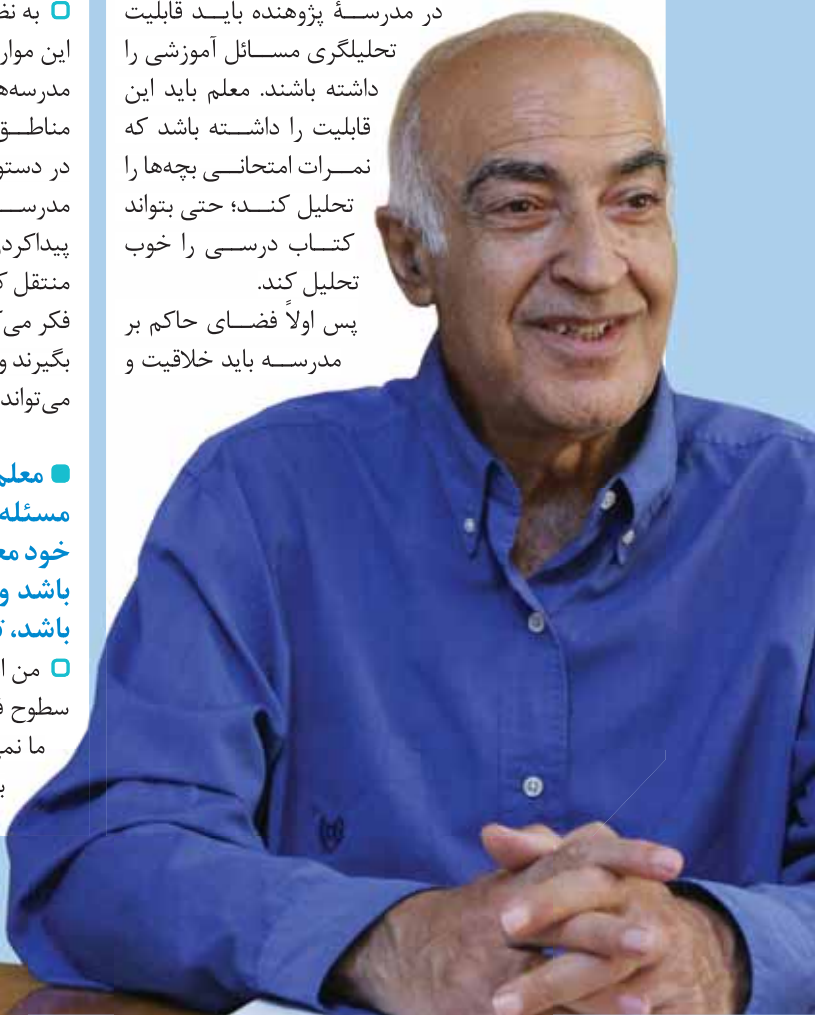
زمانی معتقد بودیم، باید دانش‌آموزان را به دنبال حل مسئله بفرستیم، اما در حال حاضر به این نتیجه رسیده‌ایم که مهم‌تر از حل مسئله، ایجاد مسئله در ذهن دانش‌آموزان است.

■ پس می‌توان گفت، مدرسه پژوهنده جایی است که زمینه‌های ایجاد سؤال را در ذهن دانش‌آموزان ایجاد می‌کند؟

در تعریف دیگری، مدرسه پژوهنده جایی است که راه‌های متعدد پاسخ‌گویی را برای دانش‌آموز فراهم می‌کند. برای مثال در حل مسئله‌ای می‌گوید: این مسئله چهار راه حل دارد، اما قابلیتی که در مدرسه پژوهنده در دانش‌آموزان به وجود می‌آید، انتخاب بهترین راه حل است؛ یعنی تقویت قدرت تصمیم‌گیری. موضوع بعدی این است که خیلی از مسائل با پرسش و پاسخ حل نمی‌شوند. مدرسه جایی است که باید پژوهش در مقیاس کوچک را در برنامه‌های خودش قرار بدهد. زمینه تحقیق یا پژوهش در مقیاس کوچک ابتدا باید به کتاب‌های درسی راه یابد. من معتقدم، اگر ماهیت برنامه‌ها و کتاب‌های درسی عوض نشود، مدرسه به تنهایی نمی‌تواند مدرسه پژوهنده یا مدرسه آینده‌پژوه شود.

ویژگی معلم مدرسه پژوهنده چیست؟

مدرسه پژوهنده جایی است که معلمان در ایجاد جایگزین‌ها (یا راه‌های) متعدد پاسخ به یک سؤال و کمک به دانش‌آموزان کمک کنند. از طرف دیگر، معلمان برای انتخاب بهترین پاسخ توسط دانش‌آموزان شکیبا باشند. در واقع، معلم باید مهارت‌هایی داشته باشد که پژوهندگی و تحقیق در مقیاس کوچک بخشی از این مهارت‌هاست. در واقع، معلم باید «پژوهشگر آموزش» باشد تا بتواند در قالب برنامه‌های درسی مسائل آموزشی را تحلیل کند. معلم در مدرسه پژوهنده باید قابلیت تحلیلگری مسائل آموزشی را داشته باشند. معلم باید این قابلیت را داشته باشد که نمرات امتحانی بچه‌ها را تحلیل کند؛ حتی بتواند کتاب درسی را خوب تحلیل کند. پس اولاً فضای حاکم بر مدرسه باید خلاقیت و



نوآوری را رشد دهد و بستر استفاده از تجربه‌های یادگیری باشد. دوم اینکه برنامه‌های درسی زمینه‌های مسئله‌محوری و پرسش و پاسخ را فراهم کنند، و سوم معلم باید پژوهشگر آموزش باشد.

اما نکته بعدی این است که علاوه بر این موارد، فضای پژوهشگری مکملی هم نیاز است تا از دانش‌آموزانی که به مرحله پژوهش در مقیاس کوچک می‌رسند، حمایت کند. دانش‌آموزان از خلاقیت و نوآوری زیادی برخوردارند، اما به‌طور عمده جایی برای بروز آن‌ها وجود ندارد. پس نظام تعلیم و تربیت باید زمینه‌ای را فراهم کند که مدرسه پژوهنده از یک نظام پشتیبان پژوهندگی برخوردار باشد. الان در سراسر کشور مراکز کوچکی راه‌اندازی شده‌اند که بچه‌ها می‌توانند بروند آنجا پژوهش انجام دهند، اما این کافی نیست. پس این چهار امکان باید فراهم شود که مدرسه به یک مدرسه پژوهنده تبدیل شود.

همه فرمایشات شما درست است،

اما آیا با توجه به شرایط حال حاضر مدرسه‌های ما این امکان وجود دارد که بخواهیم به این مسائل فکر کنیم. به نظر شما اجرای این توصیه‌ها در مدرسه‌های ما عملی است؟

به نظر من امکان‌پذیر است، به شرط آنکه این موارد در دستور کار قرار گیرند. همه مدرسه‌ها در سطوح ابتدایی و متوسطه در مناطق گوناگون، بحث خلاقیت و نوآوری را در دستور کارشان قرار دهند و منتظر اقدام ستاد نباشند. مدرسه حتی در مقیاس کوچک خودش باید بتواند امکان پیدا کردن رابطه‌های علت و معلولی را به‌سادگی به بچه‌ها منتقل کند و از آن‌ها بخواهد چیزی را به‌سادگی نپذیرند. من فکر می‌کنم بچه‌ها در هر سطحی باید تفکر انتقادی را یاد بگیرند و این به هیچ منبعی هم نیاز ندارد. موضوع دیگری که می‌تواند این زمینه را فراهم کند، کار تیمی است.

معلم از دانش‌آموز می‌خواهد سؤال پرسد، مسئله حل کند و تفکر انتقادی داشته باشد. اگر خود معلم توان و قابلیت لازم را در این باره نداشته باشد و نتواند پاسخ‌گوی سؤالات دانش‌آموزان باشد، تکلیف چیست؟

من اشاره کردم باید آن زمینه‌ها را فراهم کنیم، اما سطوح فراهم کردن این زمینه‌ها در مدرسه‌ها متفاوت است. ما نمی‌توانیم صبر کنیم همه مدرسه‌ها به یک سطحی برسند. من فکر می‌کنم این سطح از پرسشگری و



امروز مدرسه‌های ما از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین می‌توانند مدرسه پژوهنده باشند، اما سطح آن‌ها با همدیگر فرق می‌کند

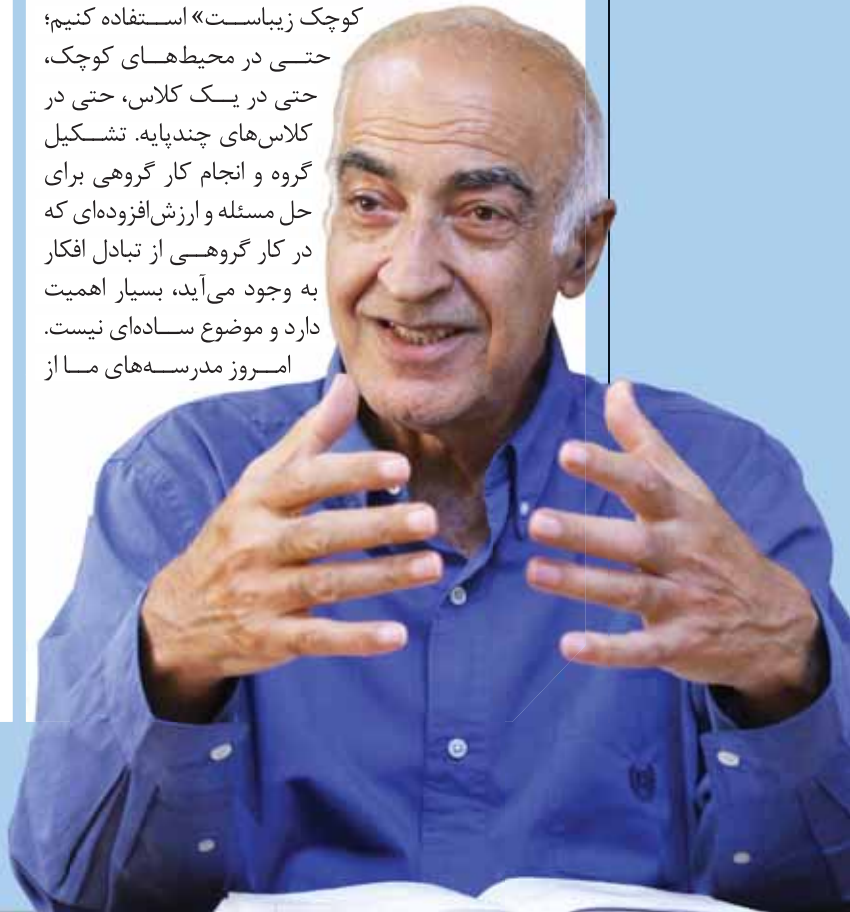
در آینده ما به جایی می‌رسیم که در طراحی، تدوین و اصلاح برنامه‌ها و کتاب‌های درسی باید از دانش‌آموزان کمک بگیریم

خلاقیت و نوآوری باید از سطوح پایین در همه‌جا شروع شود. در یک جایی سطح آن خیلی بالاست و در جای دیگر پایین‌تر است. در مناطق محروم هم باید بتوانیم با همین معلمان این کار را انجام دهیم.

اما زمینه چگونه فراهم می‌شود؟ ابتدا باید بتوانیم در برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی ردپایی از پرسشگری و خلاقیت پیدا کنیم. پس از آن مدیران باید با یک دوره ۲۰۰-۳۰۰ ساعته آموزش ببینند که فضای حاکم بر مدرسه‌های آن‌ها چگونه می‌تواند فضای خلاقیت و نوآوری باشد. می‌توان از امکانات بسیار ساده‌ای برای خلاقیت و نوآوری استفاده کرد. اگر این‌طور باشد، من فکر می‌کنم وزارت آموزش و پرورش می‌تواند زمینه توسعه ظرفیت خلاقیت و نوآوری معلمان را حتی با پودمان‌های خودآموز فراهم کند. اینکه ما به دانش‌آموزان فرصت می‌دهیم نترسند و بپرسند، این به نوبه خود کلی از فرایند کار را جلو می‌برد و کاری به امکانات

ندارد. ممکن است هزاران امکان در مدرسه داشته باشیم، اما دانش‌آموز پرسشگر نباشد و بترسد که پرسد چرا؟ اما شاید معلمانی داشته باشیم که حتی در مناطق محروم این زمینه را برای دانش‌آموزان فراهم کرده باشند. مدرسه پژوهنده ما جایی است که معلمان این فرصت پرسشگری را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. بنابراین، اگر آموزش و پرورش بخواهد همه این خلاقیت و نوآوری و مدرسه پژوهنده را در یک سطح فراهم کند، امکانش نیست. ما باید از شعار «فضای کوچک زیباست» استفاده کنیم؛

حتی در محیط‌های کوچک، حتی در یک کلاس، حتی در کلاس‌های چندپایه. تشکیل گروه و انجام کار گروهی برای حل مسئله و ارزش‌افزوده‌ای که در کار گروهی از تبادل افکار به وجود می‌آید، بسیار اهمیت دارد و موضوع ساده‌ای نیست. امروز مدرسه‌های ما از



کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین، می‌توانند مدرسه پژوهنده باشند؛ اما سطح آن‌ها با همدیگر فرق می‌کند.

با تعریفی که شما از مدرسه پژوهنده ارائه کردید، به یقین معلم نمی‌تواند در نقش سنتی خود باقی بماند.

زمانی اعتقاد بر این بود که نقش معلم انتقال اطلاعات از ذهن خودش به ذهن دانش‌آموز است. زمان دیگری عنوان می‌شد که معلم تسهیل‌کننده است و نباید مستقیم ورود پیدا کند و باید بگذارد دانش‌آموزان فکر کنند. به نظر من معلمان می‌توانند همه این نقش‌ها را داشته باشند. یعنی هم یک مجموعه اطلاعات را منتقل کنند و هم در یک مجموعه اطلاعات نقش تسهیلگری داشته باشد. تعامل با دانش‌آموزان و ایجاد فضای همکاری بین آن‌ها می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. من معتقدم، اگر معلم فکر کند کلاس درس جایی است که من خودم هم همراه با دانش‌آموزان باید یاد بگیرم، معلم آینده‌پژوهی است و در همین یادگیری معلم زمینه‌های سؤال و پرسش فراهم می‌شوند. چنین معلمی چون خودش را برتر از دانش‌آموزان نمی‌بیند و بر این باور است که خودش هم به یادگیری نیاز دارد، کمک می‌کند دانش‌آموزان هم اظهار نظر کنند. من می‌خواهم بگویم، در آینده ما به جایی می‌رسیم که در طراحی، تدوین و اصلاح برنامه‌ها و کتاب‌های درسی باید از دانش‌آموزان کمک بگیریم.

شاید یکی از بازدارنده‌های برخی فعالیت‌های مدرسه در بحث پرورش خلاقیت و نوآوری والدین دانش‌آموزان هستند، چون نگران آینده تحصیلی و کنکور فرزندشان هستند. نظر شما در این باره چیست؟

ما تا زمانی که نتوانیم نظام آزمون سراسری را درست کنیم، با این مسائل مواجهیم. من مسئول کمیته تلفیق و تدوین سند تحول بودم. برای تدوین این سند زحمات زیادی کشیده شد. اما تا زمانی که نظام آزمون سراسری ما درست نشود، دانش‌آموز، معلم و مدرسه از ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت عمدتاً به ساحت علمی می‌پردازند و سایر ساحت‌ها در عمل نادیده گرفته می‌شود. خانواده می‌گوید برای من ساحت علمی مهم است تا فرزندم بتواند در آزمون سراسری قبول شود. ساحت زیستی و بدنی برای آن‌ها کمتر مطرح است و ساحت زیباشناختی و هنری را مغفول قرار داده‌اند. در حالی که مثلاً ساحت زیستی و بدنی باید برای خانواده‌ها فوق‌العاده مهم باشد. ما تا وقتی نظام آزمون سراسری مان نتواند در ساحت‌های گوناگون فراگیر شود، همین مشکلی را که شما می‌گویید خواهیم داشت.